خروس و نقش آن در هفت اثر نقاشی

مهدی حسینی*

تـاریخ دریـــافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳

چکیده

شکل، ریخت و اطوار خیال‌انگیز خروس در بسیاری از فرهنگ‌ها، صورت نمادین به خود گرفته و به مثابهٔ یک نشان و یا وسیله‌ای برای بیان و انتقال اندیشه انتخاب و تصویر شده است. در باور بسیاری از فرهنگ‌ها، خروس، مظهر طلوع خورشید و معرّف زمان است. این پرنده، در جهان‌بینی مصری مظهر شجاعت، نبرد زندگی، عدالت (از آنجا که خوراکش را با دیگر مرغ‌ها قسمت می‌کند)، ترصد و مال‌اندیشی است. خروس، در ژاپن، نماد نیایش در آیین شینتو است و در چین، نشان فتوت، تهور و وظیفه‌شناسی. حضور مرغ و خروس در باغ و حیاط، نشان از شور و مسرت زندگی دارد و گویی انسان، با رؤیت این پرندگان، به طرز محسوسی از شادی لبریز می‌شود.

بسیاری ازخالقان هنرهای تجسمی در فرهنگ‌های گوناگون، از خروس برای خلق آثار هنری خویش سود جسته‌اند؛ طراحان و نقاشان، نمونه‌های بسیار درخشان و متنوعی از این پرنده به یادگار گذاشته‌اند. در واقع، جلوهٔ این پدیدهٔ زیبای طبیعت به دست هنرمندان، مرئی شده است و آنها با آفرینش نقش ـ طرح‌های بدیع، دنیای خود و مخاطبشان را بارور ساخته‌اند.

در این نوشتار، ضمن معرفی و تحلیل تعدادی از این آثار، به ساختار و طرز تنظیم آن توجه‌شده و ترکیب آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: خروس، فرهنگ، آیین، نماد، سبک

* استاد دانشگاه هنر تهران mehdi.hosseini43@yahoo.com

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]

مقدمه

واژهٔ «خروس»، از ریشه Xraos اوستایی به معنی خروشیدن اخذ شده و تدریجاً به دیگر گویش‌ها راه یافته است. این واژه، تداعی‌کنندهٔ مفاهیمی چون: صبح، نور و گذشت زمان و بیداری است. در بسیاری از سروده‌های شعرا، از این پرنده یاد شده و در مناسبت‌های گوناگون مورد استفاده قرارگرفته است؛

فردوسی می‌فرماید:

سپیده‌دمان گاهِ بانگ خروس
ببستند بر کوههٔ پیل کوس

یک رباعی نیز به حکیم عمر خیام منسوب است که «سپیده‌دم»، «آئینهٔ صبح» و «گذشت عمر» واژگان کلیدی آن محسوب می‌شوند:

هنگام سپیده‌دم خروس سحری
دانی که چرا کند همی نوحه‌گری
یعنی که نمودند در آئینهٔ صبح
کز عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

نمونهٔ دیگر از این تصویر را در شعر شاعر معاصر، نیما یوشیج می‌یابیم:

قوقولی‌قو خروس می‌خواند...

اما این پرنده، تنها در قالب شعر ظاهر نشده؛ بلکه از گذشتهٔ دور، در شکل‌گیری آثار بسیاری از هنرمندان هنرهای تجسمی جهان نیز نقش داشته‌است که در این مقاله، به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

خروس و نقش آن در هنرهای تجسمی

حضرت رسول اکرم(ص) به هنگام عروج به همراه جبرئیل و توسط براق از مکه به مسجدالاقصی و سپس به معراج، در آسمان اول، با خروس سفیدرنگی مواجهه می‌شود که پایش در زمین، سرش در عالم ملکوت و بال‌هایش در آسمان است. حضرت محمد(ص)، در یازدهمین نگاره از معراج‌نامه شاهرخی (محفوظ در کتابخانه ملی پاریس[1] با شناسهٔ ۱۹۰)، درحالی‌که روی به سوی جبرئیل دارد، با انگشت سبابه به این خروس سفیدرنگ اشاره می‌کند و از جبرئیل، حکمت آن را سؤال می‌فرماید. جبرئیل پاسخ می‌دهد که این خروس، معرّف زمان است؛ وقت سحر و ظهر و غروب را معیّن می‌کند تا بندگان خدا بیدار و هوشیار باشند و او را تکبیر گویند. بی‌جهت نیست که خروس در اسلام از شأن بسیار والایی برخوردار است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «خروس سپید، دوست من و دشمن منافقین است ... آواز او حضور فرشتگان را خبر می‌دهد». (شوالیه، ۹۵:۱۳۸۲)

همچنین به این حضرت منسوب است که فرمود: «از نفرین‌کردن و دشنام‌دادن به خروس که شما را برای نماز خبر می‌کند، احتراز کنید». این سخـن، به خروس، بُعدی کیهانی می‌بخشد. (همان) علاوه براین، پیامبر باتوجه به تجربهٔ ملکوتی در شب معراج (ر.ک. تصویر شماره ۱۱ *معراج‌نامهٔ شاهرخی*) می‌فرماید: «میان آفریدگان خدا، این خروس است که تاجش در عرش خداوند، چنگالش روی زمین و بال‌هایش در هواست». (همان)

خروس، مظهر غرور است و این نشانه، در رفتار و سکنات آن به وضوح دیده می‌شود. این پرنده را به واسطهٔ روحیهٔ مبارزه‌طلبی‌اش، دارای شهامت و از آن جهت که غذایش را با دیگر مرغان تقسیم می‌کند، دارای فضیلت احسان می‌دانند. علاوه بر این، پیام‌آوری طلوع روز و هوشیاری، سبب شده که در بسیاری فرهنگ‌ها از خروس، به عنوان نماد نور و خورشید یاد شود.

بسیاری از هنرمندان در طول فعالیت و آفرینش هنری خود، از این موجود خوش‌رنگ بهره جسته و تصاویر درخشانی در پیوند با این پرندهٔ زیبا و مغرور و در عین حال حساس نسبت به تغییرات زمان، از خود به یادگار گذاشته‌اند.

خروس با رنگ‌های طلایی، حنایی، نارنجی درخشان، کاکل افشان و تاج قرمزرنگش، پیوسته انسان را به یاد جلوهٔ بیکران طبیعت می‌اندازد. خروس سفید با پرهای سفید و تاج قرمزرنگ، نمادی عینی از گلبول‌های قرمز و سفید است و بیننده را به یاد جریان خون و نیز حرکت و استمرار حیات می‌اندازد. بی‌جهت نیست که در برخی از فرهنگ‌ها (مانند: ایالات متحده) شمایل خروسی به

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]

مثابهٔ منادی بیداری و حرکت، در مسقط‌الرأس اغلب بادنماها[۳] نصب شده است.

نگارگری از مکتب گورکانیان هند، خروسی را به تصویر کشیده است که به نظر می‌آید شکل نسبتاً متقارنی از نگارهٔ شماره ۱۱ *معراج‌نامهٔ شاهرخی* است؛ با این تفاوت که پنجه‌های خنجری و پرهای بادبزنی دُم خروس در *معراجنامه*، خارج از جدول نگاره به نمایش درآمده و در مجموعه، شکل ثانویه به خود گرفته است، اما در طرح نگارگر مکتب گورکانی، با صراحت و قوّت طراحی شده و بخش وسیعی از فضای اثر را به خود اختصاص داده است. منقار باز، پنجه‌های خنجری و دُم افشان خروس، جملگی نشان از نبض حیات و نیروی ستیزه‌جوی این پرنده دارد. خطوط دوّار خوش‌قوارهٔ طرح، بخش عمدهٔ صفحه را دربرگرفته و تنوع و گسترش آن، فضای اندکی برای سطوح خلوت صفحه به جا گذاشته است. با وجود این، ریخت و اندازهٔ فضای اشغال شده، ارتباط هماهنگ و تنگاتنگی با بخش‌های اشغال نشدهٔ طراحی دارد و مجموعه‌ای هم‌پیوند از خط، سطح و بافت ایجاد کرده است.

خروسِ خوزه‌گوا دالوپ پوزدا[۴] (۱۹۱۳-۱۸۵۱)، هنرمند مکزیکی، که به صورت اثری به شیوهٔ کنده‌کاری روی فلز به‌جا مانده، یکی از خروس‌های خوش‌طرح و تراشی است که در دوران معاصر و توسط هنرمندان نوین نقش شده است. این هنرمند مکزیکی، افزون بر موضوع‌های مذهبی و اجتماعی، با توجه به فرهنگ و باورهای بومی، اغلب از طرح اسکلت‌هایی استفاده می‌کند که به زبان محلی «کالاورا»[۴] نامیده می‌شوند. در آثار او، این اسکلت‌ها در حال فعالیت‌های روزمره‌ای چون روزنامه‌فروشی، رقص، آواز و یا دوچرخه‌سواری هستند. ولی خروسی که او طراحی و سپس حکاکی و چاپ کرده است، خروس مغرور و مبارزی است که آمادهٔ دفاع از حریم خود و دیگر مرغ‌هاست. خروسی که برای حریم خود ارزش قائل است و برای حفظ آن، به هر گونه مبارزه و فداکاری تن می‌دهد. این طرح، می‌تواند به مثابهٔ نشانی از غرور ملی و یا نمادی از حفظ آرمان‌های اقلیمی آن نیز به شمار آید.

پابلو پیکاسو (۱۹۷۳-۱۸۸۱) از هنرمندان مطرح دیگری است که از این پرندهٔ زیبا، پرده‌ای خوش‌طرح و رنگ آفریده است. وی طبیعت یا مصنوع را به سطوح هندسی تحلیل می‌نمود و با نگریستن چند جانبه به آن، فضایی نوین در قالب انتزاع هندسی تنظیم می‌کرد. این تجربهٔ کوبیسمی، وی را بر آن داشت تا پرده‌ای با عنوان «خروس»[۵] (در سال ۱۹۳۸م.) به نمایش بگذارد.

پیکاسو در این اثر از رنگ‌های درخشان زرد و سبز و نارنجی سود برده و جلوهٔ رنگین این پرنده را نقش‌زده؛ نه به آن صورت که در طبیعت مشاهده می‌گردد، بلکه به قالبی که در ذهن به تصویر در آمده است. اگرچه در شکل‌گیری و ترکیب‌بندی این پرده، دورگیری و استحکام خطوط نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، ولی این ذهن آفرینشگر هنرمند است که می‌تواند ویژگی‌های این مرغ زیبا را، در قالب خط و رنگ، به شکل جسورانه‌ای، ترسیم کند.

مرحوم جلیل ضیاءپور پس از فراغت از تحصیل در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دریافت بورسی از سوی دولت، جهت ادامهٔ تحصیل، روانهٔ پاریس شد. در آن زمان، نسل دوم نقاشان پیرو مکتب کوبیسم، هنوز در پاریس حضور و فعالیت داشتند. اگر پیکاسو، براک، خوان گری و فردیناند لژه را نسل نخست کوبیست‌های فرانسوی به شمار آوریم، هنرمندانی چون ژان متزینگر[۶]، اوزانفان[۷] و آلبرت گلیزه[۸] نسل دوم را تشکیل می‌دهند. در زمان حضور ضیاءپور در پاریس (پس از جنگ جهانی دوم)، اگرچه هنوز برخی از هنرمندان نسل اول این سبک، حضور و فعالیت داشتند اما می‌توان گفت اکثریت با نسل دومی‌هایی چون آندره لوت[۹] (۱۹۶۲-۱۸۸۵) بود. این هنرمندان، به استمرار و حفظ خاطرهٔ دورهٔ ابتدایی کوبیسم (قبل از جنگ جهانی اول) توجه داشتند و به تداوم آن اصرار می‌ورزیدند.

آندره لوت، افزون بر آفرینش هنری، یک تئوریسین[۱۰] بود و در زمینهٔ آموزش نقاشی نیز فعالیت می‌کرد. ضیاءپور به هنگام حضور در پاریس، در زمرهٔ هنرمندان

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]

مرتبط با وی قرار گرفت و همراه با او، به تجربهٔ رویکرد مدرنیسمی‌اش پرداخت.

جلیل ضیاءپور، پس از بازگشت به ایران و آغاز فعالیت‌هایش، بسیاری از ویژگی‌های مکتب (کوبیسم) را مورد استفاده قرار داد که از آن جمله می‌توان به تحلیل طبیعت به روابط سطوح هندسی، نمایش آن از چند زاویهٔ متکثر به طور هم‌زمان در یک پرده و نیز شفاف نمودن اجزاء آن اشاره کرد. اما آنچه او در نهایت آفرید، بیشتر خصوصیات اقلیمی یک اثر ملی را با خود به همراه داشت.

ضیاءپور، در پردهٔ مشهور خویش با نام «زینب‌خاتون»، که در سال ۱۳۳۷ ش. در نخستین بی‌ینال نقاشی تهران در کاخ ابیض نمایش داده شد، با استفاده از شعری کودکانه و عامیانه، فضای هندسی صمیمانه‌ای را به تصویرکشید که بیشتر ملی و ایرانی بود تا پاریسی؛

جمجمک برگ خزون / مادرم زینب خاتون / گیس داره قد کمون / از کمون بلند ترک / از شَبق مشکی ترک / شونهٔ فیروزه می‌خواد / حمام سی روزه می‌خواد

این هنرمند، مانند استاد اروپایی‌اش، آندره لوت، افزون بر آفرینش هنری، برای دفاع از آرا و آرمان‌هایش نشریه‌ای تدارک دید و لوگوی آن را خود طراحی کرد (۱۳۲۸ ش). وی این مجله را با توجه به ویژگی‌های نمادینی که خروس دارد، «خروس جنگی» نامید. ضیاءپور، برای اجرای لوگوی مجله‌اش، تمام ویژگی‌های سبکی کوبیسم تحلیلی چون: تحلیل فرم‌های طبیعی به قالب خطوط و سطوح هندسی و نیز شفاف و سیال کردن آن از طریق سطوح، را مورد استفاده قرار داد. خروسی که این هنرمند نقش زد، با چنگال تیز و حالت مبارز و آمرانهٔ خود، آمادهٔ دفاع از هرگونه اندیشه و یا حرکت نابخردانه‌ای بود که احتمال می‌رفت از سوی محافظه‌کاران به بیان آید. پس از خلق این لوگوی درخشان، که در نوع و زمان خود کاملاً پیشرو و بدیع بود، وی شعر بیدارکنندهٔ نیما یوشیج (قوقولی‌قو خروس می‌خواند) را همراه با نشریهٔ خروس جنگی منتشر ساخت.

پردهٔ «آواز خروس» عبدالله عامری (۱۳۰۱-۱۳۸۶)

از پیشگامان نقاشی معاصر ایران و از هم‌دوره‌های جلیل ضیاءپور، فاقد تاریخ مشخصی است، ولی با توجه به شیوهٔ کار و نوع رنگ‌گذاری این هنرمند در دههٔ ۳۰ شمسی، به نظر می‌رسد این پرده متعلق به همین دوره از فعالیت وی باشد. «آواز خروس»، تصویر خروس مبارز و مغروری مانند آنچه در طراحی مرحوم ضیاءپور به چشم می‌خورد نیست، بلکه خروس هوشیار و مقتدر صبحگاهی است که برای بیداری زمینیان آواز سرداده. ستاره‌ها و کهکشان‌ها در بالای پرده، بارقه‌های طلوع را نوید می‌دهند و نقطه‌های انتزاعی قرمزِ روی کلبه، نشان از حضور و زندگی انسان‌ها دارد. عبدالله عامری در خاطره‌ای از گذشتهٔ خود که بی‌ارتباط با آفرینش این پرده نیست، می‌گوید:

«از کودکی به نور و رنگ و صدا حساسیت داشتم. یادم می‌آید در هشت سالگی، در یک صبح تابستان، روی پشت‌بام از خواب بیدار شدم. رنگ آبی آسمان و رنگ شن‌های روی دیوار کاهگلی مقابلم که با رنگ‌های فیروزه‌ای و آبی و سبز و قرمز، به‌علاوه رنگ زرد پریدهٔ کاهگل‌های دیوار که باران خورده بود، هماهنگی زیبایی ایجاد می‌کردند و درخشندگی خاصی داشتند، جهان رنگ‌ها را در ذهنم ماندگار کردند.» (مجابی،۱۳۷۶: ۱۹۳).

پیکر باز و رهای خروس با رنگ‌های زرد و نارنجی، آسمان سرمه‌ای با لوامعی از طلوع صبح را به بخش دیگر پرده که زمین را نشان می‌دهد، پیوند داده است. قلم استاد عامری، ندای آزادی بخش این مرغ سحر را در مرز میان انتزاع و تجلّی، به کسوت رنگ و فرم درآورده و پردهٔ الهام‌بخشی از این نماد هوشیاری را بر روی بوم، به یادگار گذاشته است.

پایان‌بخش این گفتار، اثری از نقاش معاصر فرشته غازی‌راد است. این هنرمند معاصر، یکی از دانش‌آموختگان دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. وی ضمن این‌که با بسیاری از نخبگان هنر معاصر دوست و هم‌قطار بوده، نظاره‌گری دقیق و ظریف است که جریان‌های هنر معاصر را با حساسیت دنبال می‌کند و شناخت صحیحی از هنر معاصر جهان دارد. غازی‌راد، با استفاده

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]

از شیوه‌های تجربی بی‌نظیر و همچنین تلفیق عناصر طبیعی مانند چوب و پوستهٔ درخت با عناصر طراحی، تابلوی رنگین خوش‌تراشی را از خروس آفریده است که در نوع خود تازگی دارد. وی، رنگ و بافت پرهای پرنده را به راحتی طراحی نموده و چنین به نظر می‌آید که دستان او حتی برای لحظه‌ای از حرکت باز نایستاده‌اند.

طرز بیان غازی‌راد در طراحی و نقاشی، در قالب پرشور و احساس دیونیسیوسی می‌گنجد که سرشار از عشق و سرمستی و موجب برانگیختن احساسات شاعرانه است. رابطهٔ میان فضای خلوت و اشغال شده (بدون لحظه‌ای مکث یا تردید) به زیبایی تنظیم گشته و رنگ‌های اندام پرنده، به طرز هوشمندانه‌ای با یکدیگر عجین شده است. در واقع، از ویژگی‌های بارز آثار غازی‌راد این است که وی می‌تواند در واحه‌ای متعالی، کلیهٔ نیروهای درونی، احساسی، عقلایی و اجرایی‌اش را با یکدیگر هماهنگ کند و در لحظه‌ای که انباشته از شورِ آفرینندگی است، اثری ماندگار خلق نماید.

گرچه در یک قرن و نیم اخیر، فن‌آوری نوین، جلوه‌ای جدید از فضاهای مصنوع و امروزی ایجاد کرده است و با جایگزین کردن فضاهای مهاجم و مزاحم صنعتی، طبیعت را به میزان قابل‌توجهی از میان برداشته، ولی بسیاری از نقاشان پیشتاز معاصر، همچنان از طبیعت و جلوه‌های آن الهام گرفته‌اند. شاید بتوان گفت، از بین رفتن طبیعت و جای خالی آن در محیط زندگی هنرمند و احساس کمبودی که از فقدان آن در خاطر ظریفش به جای می‌ماند، خود عاملی است که وی را بیشتر و بیشتر به سوی طبیعت و نمودهای لطیف آن سوق می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Bibliothéque National, Paris.
2. Weather Vane
3. Jose Guadalupe posada (1851-1913)
4. Calavera
5. *The Cock*
6. Jean Metzinger (1883-1956)
7. Amédée Ozenfan (1886-1966)
8. Albert Gleize (1881-1953)
9. Andre Lhote (1885-1962)
10. *Trait du paysage et de la figure, 1956*

فهرست منابع

۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید.
۲. شوالیه، ژان. (۱۳۸۲)، *فرهنگ نمادها*، ترجمهٔ سودابه فضایلی، جلد ۳، تهران، انتشارات جیحون.
۳. ضیاپور، جلیل. (۱۳۸۲)، *مجموعه سخنرانی‌های هنری ـ تحقیقی (۱۳۲۷-۱۳۷۸)*، تهران، موزه هنرهای معاصر.
۴. مجابی، جواد. (۱۳۷۶)، *پیشگامان نقاشی معاصر ایران، (نسل اول)*، تهران، نشر هنر ایران.
۵. هال، جیمز. (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها*، ترجمهٔ رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.

6. Berdecio, Roberto. (1972), *Posadas popular Mexican prints*, New York, Dover.

7. Frank, Patrick. (1998) *Posadas Broadsheets: Mexican Popular Imagery*, *1890-1910.* University of New Mexico.

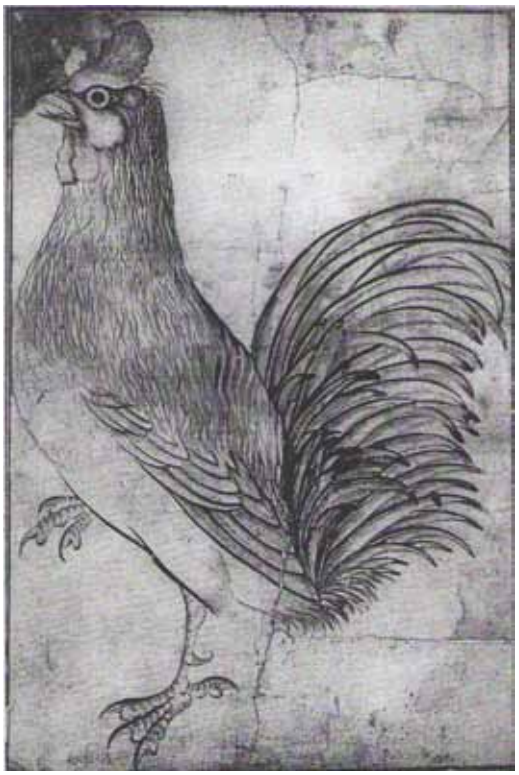
8. Seguy, Marie-Rose. (1977), *The Miraculous Journey of Mahomet: Miraj Nameh*, New York, George Braziller.

9. Warncke, Carsten-Peter. (2002) *Pablo Picasso 1881-1973,* Koln, Taschen.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]



۱
معراج نامه شاهرخی،
مکتب هرات، ۸۴۰ هـ.ق. مجلس یازدهم
(از آسمان اول)، کتابخانه ملی پاریس، با شناسهٔ ۱۹۰



۲
طراح گمنام، خروس،
مکتب گورکانی، قرن دهم هجری،
قلم‌مو و آب رنگ روی کاغذ، موزهٔ هنرهای زیبا، بوستون



۳
خوزه گوادولوپ پوزدا، خروس
(احتمالاً برای اعلان یک برنامه خروس جنگی
در مکزیک)، چاپ دستی،
دههٔ اول سدهٔ بیستم، مکزیک

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]



۴
پابلو پیکاسو ، خروس، پاستل رنگی روی مقوا،
۱۹۳۸، ۵۴۰×۷۷۵مم، مجموعهٔ کالین، نیویورک



۵
جلیل ضیاءپور، لوگو برای نشریهٔ خروس جنگی،
۱۳۲۸ش، ۱۴۰×۱۹۰ مم، تهران



۶
عبدالله عامری (۱۳۰۱-۱۳۸۶) آواز خروس،
دههٔ ۳۰ شمسی، ۶۵۰×۸۳۰ مم،
رنگ روغن روی بوم،
مجموعهٔ خصوصی عامری

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]



۷
فرشته غازی‌راد،
حیرانی خروس، پاستل روی چوب
۱۰۷۰×۱۰۰۰ مم، ۱۳۸۴، مجموعه خصوصی، تهران

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-26]